

سیاست دینی دولت جمهوری آذربایجان

گ/سرویس آذربایجان

حسن شکاری

دانشجوی دکتری مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران

سیاست دینی دولت جمهوری آذربایجان

چکیده

دوران حاکمیت اتحاد شوروی بر مبنای ایدئولوژی کمونیستی بود و به دین به عنوان ابزار هژمونی طبقه مالک نگریسته می شد. حاکمیت هفتاد ساله ی این ایدئولوژی نیز نسلی از نخبگان، کارگزاران و سیاستمدارانی را شکل داد که دین و نهادهای دینی را به مثابه تهدیدی برای جایگاه خود قلمداد می کردند. در جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از کشورهای استقلال یافته پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کماکان نسلی از رهبران دین ستیز در دوران پس از فروپاشی اتحاد شوروی تمامی تلاش خود را برای کنترل و کاهش نقش دین انجام می دهند، روش هایی که این رهبران برای نیل به این هدف انجام می دهند به شدت متأثر از روش های کنترلی رهبران اتحاد شوروی بوده است، اما به خطا رفته ایم اگر سیاست دینی کنونی را تنها نوعی بازتولید سیاست دینی اتحاد شوروی قلمداد کنیم. رهبران جمهوری آذربایجان در اجرای سیاست های دینی خود علاوه بر ابزار و روش های سابق از سیاست حمایت از هجده ارزش های غربی نیز تاثیر پذیرفته اند و ما در کنار سیاست کنترلی اتحاد شوروی، سیاست تقویت مدل اسلام دولتی و حمایت از هجده فرهنگی غرب را در این کشور شاهد هستیم.

این مقاله سعی خواهد کرد در پاسخ به این پرسش اصلی که سیاست های دینی کنونی جمهوری آذربایجان چه است؟ و از کجا نشأت می گیرد؟ این فرضیه را اثبات کند که سیاست دینی کنونی رهبران اتحاد شوروی ترکیبی پیچیده از سیاست های ضددینی اتحاد شوروی و سیاست حمایت از ارزش های غربی است که نتیجه آن در سه راهبرد اصلی سرکوب دینی، کنترل و تنظیم محتوای عقاید و تضعیف عقاید دینی مردم جمهوری آذربایجان بروز یافته است.

واژگان کلیدی: سیاست دینی، جمهوری آذربایجان، کنترل، سرکوب، هجده فرهنگی

سیاست دینی اتحاد شوروی: سرکوب و کنترل

حکومت شوروی از همان ابتدا یک سیاست علنی ضد مذهب برای ریشه⟨کن کردن مذاهب در پیش گرفت، تشکیلات ظاهری مذاهب مشخص⟨ترین و در نتیجه آسیب پذیرترین هدف⟨های حکومت بود و مذهب زدایی نیز با حمله به آن⟨ها آغاز شد. کمونیست⟨ها اقدامات ضد مذهب خود را در مورد اسلام با بستن هزاران مسجد و مدرسه دینی آغاز کردند. سپس به تدریج تا سال 1925 دادگاه⟨های شرع را بستند و در 1930 سازمان اوقاف را منحل کردند. در نتیجه ی حکومت دولت شوروا، تغییرات زیادی در اعتقادات اسلامی مردم شوروی به وجود آمد. در دهه اول استقرار این حکومت چند همسری و حجاب ممنوع شد. شریعت یا دادگاه هایی که بر اساس احکام قرآن قضاوت می⟨کردند و مدارس دینی و بسیاری از مساجد تعطیل گردید. سازمان اوقاف از میان رفت و زیارت حج ممنوع شد، گرفتن روزه و پرداخت زکات با موانع بسیار روبه⟨رو گشت، چاپ قرآن و دیگر کتب مذهبی متوقف شد و در مقابل کتب ضد مذهبی و ضد اسلامی سیل آسا انتشار یافت. اتحاد شوروی بعد از پایان جنگ دوم جهانی سعی کرد که آزادی هایی برای مسلمانان اتحاد شوروی ایجاد کند که با رشادت تمام در جنگ جهانی به نفع شوروی جنگیده بودند. در این راستا اتحاد شوروی شروع به دادن آزادی هایی به مسلمانان کرد و جهت نظارت بر امور مسلمانان مراکز چهارگانه مذهبی مسلمانان را به رسمیت شناخت. (هاشمیان، 1375).

بنابراین ساختار مراکز مذهبی کلیه جنبه⟨های اجرائی اسلام در اتحاد جماهیر شوروی را زیر نظر داشتند و تحت نظر شورای امور مذهبی فعالیت می کردند. این شورا خود وابسته به شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی بود. این مراکز علما را با مسئولیت⟨های مختلف تعیین می کردند و به آن⟨ها حقوق می⟨دادند، در نتیجه روحانیونی که در ارتباط با این مراکز نبودند فاقد صلاحیت بودند و حق انجام هیچ گونه اعمال مذهبی را نداشتند. این چهار مرکز مذهبی هر یک مسئول منطقه خاصی بودند که عبارت بودند از:

مرکز مذهبی آسیای مرکزی و قزاقستان: اداره این مرکز در تاشکند جمهوری ازبکستان بود. مدیر حنفی مذهب مرکز مفتی «ضیاءالدین خان ابن⟨ایشان باباخانوف» بود. حوزه قضایی این مرکز پنج جمهوری قزاق، قرقیز، تاجیک، ترکمن و ازبک بود و از جهات بسیاری این مرکز مهم ترین و بزرگ ترین مرکز اسلامی در شوروی بود.

مرکز مذهبی سبیری و شوروی اروپایی: اداره این مرکز در اوفای جمهوری خودمختار باشقیر واقع بود، مدیر حنفی مذهب این مرکز مفتی «طلعت تازیق» بود. حوزه قضایی این مرکز کلیه مسلمانان جمهوری متحد شوروی سوسیالیستی روسی (به غیر از داغستان و قفقاز شمالی) و جمهوری لیتوانی و روسیه سفید را دربر می⟨گرفت.

مرکز مذهبی قفقاز شمالی و داغستان: اداره این مرکز در ماخاچ قلعه در جمهوری خودمختار داغستان قرار داشت. مدیر حنفی مذهب این مرکز مفتی «محمود جکی یف» بود. (Balci, 2010)

مرکز مذهبی ماورای قفقاز: اداره این مرکز در باکو جمهوری آذربایجان قرار داشت. مذهب آن شیعه و سنی حنفی بود. ریاست آن را فردی شیعه به نام شیخ الاسلام شکور پاشایوف به عهده داشت. حوزه قضایی این مرکز مربوط به مسلمانان ساکن در جمهوری⟨های ارمنستان، آذربایجان و گرجستان بود.

سیاست دینی جمهوری آذربایجان: کنترل، سرکوب، هجده

جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی اتحاد شوروی به مانند دیگر جمهوری های استقلال یافته از شوروی با بحران های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مواجه شد. مهم ترین بحرانی که این جمهوری با آن مواجه شد، بحران قره باغ بود که این جمهوری تازه تاسیس را وارد جنگی خانمان سوز کرد. البته باید توجه کرد که شروع درگیری های قره باغ از سال 1988 بود اما درگیری های پر دامنه در پی فروپاشی شوروی به وقوع پیوست. هم چنین به قدرت رسیدن نیروهای ملی گرای مساوات و جبهه خلق و تلاش نخبگان قدیم برای بازگشت به قدرت سبب ساز شکل گیری جنگ قدرت در فضای سیاسی داخلی این کشور شد. در نتیجه این جنگ قدرت، نیروهای اسلامی که از اواخر دوران اتحاد شوروی و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در حال رشد و گسترش بودند فرصتی برای تقویت ساختار و اشاعه نفوذ خود یافتند. با بازگشت نخبگان قدیم به رهبری حیدر علی اف به قدرت طبقه حاکمه روند تثبیت قدرت خود را آغاز کردند. در اولین گام برای تثبیت قدرت خاندان حیدر علی اف، پارلمان آذربایجان در سال 1996 اصلاحیه ای در مورد قانون «ایمان مذاهب» تصویب کرد که منع فعالیت مبلغان خارجی را در پی داشت. همچنین در سال 2001 دولت آذربایجان به بهانه حمایت از تنوع مذهبی در جمهوری آذربایجان اقدام به تشکیل سازمانی با عنوان کمیته کار با تشکل های مذهبی کرد که ریاست آن به عهده رفیق علی اف بود و هدف اصلی آن در عمل نظارت بر فعالیت گروه های مذهبی و تضعیف نقش اداره مسلمانان قفقاز بود. با مرگ حیدر علی اف و انتقال قدرت به فرزندش الهام، سیاست های ضددینی حاکمیت جمهوری آذربایجان ادامه یافت. به طور کلی طبقه حاکمه جمهوری آذربایجان در حال احیای مجدد سیاست های ضددینی اتحاد شوروی است با این تفاوت که عناصر سیاست ضددینی اتحاد شوروی که شامل سه ابزار سرکوب، کنترل و هجده بود با ابزارهای غربی مواجهه با دین درهم آمیخته اند.

الف- کنترل دولت بر مذهب

1- محدود سازی قانونی

قانون اساسی جمهوری آذربایجان مبتنی بر سکولاریسم است (ماده 6 قانون اساسی) و مذهب و دولت بایستی از هم جدا باشند (ماده 19) سیستم آموزشی سکولار است و همه مذاهب در برابر

قانون برابر هستند و آزادی عقیده تضمین شده است. (ماده 37) اما در عمل جدایی کاملی وجود ندارد و دولت از طریق قانون آزادی بیان و کمیته امور دینی در امور مذهبی دخالت می کند. گروه های دینی مستقل اصلاحیه قانون ایمان مذاهب در سال 1996 را به عنوان نوعی تخطی اصول آزادی مذهب مورد لحاظ قرار می دهند. بر اساس این اصلاحیه، فعالیت گروه های مذهبی خارجی ممنوع اعلام شد و حکومت همه گروه ها و سازمان های مذهبی را ملزم ساخت که مجدداً ثبت قانونی کنند. بر اساس رویه جدید، اگر مرکز امور مسلمانان تحت ریاست الله شکور پاشازاده مشروعیت یک گروه را مورد شناسایی قرار می داد دیگر نیازی به ثبت قانونی مجدد این سازمان ها نبود اما در نتیجه این اقدام گروه های شیعی و مذهبی نزدیک به الله شکور پاشازاده مجوز فعالیت می گرفتند و این امر موجب ایجاد نوعی مونوپولی برای الله شکور پاشازاده گردید و موجب افزایش انتقادات گروه های مستقل از اداره مسلمانان قفقاز شده بود که این مساله با تشکیل کمیته امور دینی در سال 2001 تغییر یافت. تا سال 2006 تعدادی از گروه های مستقل در نتیجه رقابت موجود بین رئیس اداره مسلمانان قفقاز و رفیق علی اف رئیس کمیته امور دینی توانستند بدون طی مراحل ثبت مجدد مجوز فعالیت خود را اخذ کنند، اما با انتصاب هدایت اروچ اف در سال 2006 هماهنگی بین این دو مرکز افزایش یافت و گروه های مستقل دیگر نتوانستند از این شکاف استفاده کنند. در این شرایط گروه های مستقل مذهبی از سیاست غیرعادلانه و استاندارد دوگانه دولت بسیار انتقاد می کردند. در این شرایط گروه های مسیحی و یهودی بدون نیاز به جلب توجه شیخ الاسلام و با حمایت دولت می توانستند فعالیت های خود را ثبت قانونی کنند اما گروه های مذهبی اسلامی که روابط خوبی با شیخ الاسلام باکو نداشتند نمی توانستند مجوز فعالیت بگیرند. همچنین بسیاری از منتقدین نسبت به حمایت الله شکور پاشازاده از الهام علی اف در همه انتخابات با وجود منع قانونی ورود به سیاست توسط مقامات مذهبی انتقاد می کنند. دانشجویان جوانی که در ترکیه تحصیل می کنند همواره نسبت به افرادی که در ایران تحصیل کرده اند از حمایت بیشتری توسط طبقه حاکمه برخوردار می شوند. به طوری که یک مقام رسمی کمیته کار با شکل های دینی بدون توجه به اصلیت آذری این دانشجویان اظهار می کند که ما بین ترکیه به عنوان یک برادر و ایران به عنوان یک همسایه تفاوت قائل هستیم. این سبب شده است که گروه های شیعه آذربایجانی از سیاست غیرعادلانه دولت انتقاد کنند و معتقد باشند که دولت در حال ترویج فعالیت اسلام سنی مدل ترکیه در یک کشور شیعه است. همچنین این گروه ها مدعی اند که دولت کلاس های قرآن را تعطیل کرده است و در مقابل از فعالیت های تفسیر قرآن گروه های سنی ترکیه ای حمایت می کند. اصلاحیه قانونی دیگری بر روی قانون آزادی مذهب تصویب شد که هدف آن تقویت کنترل دولت بر فعالیت سازمان های مذهبی از طریق سخت تر کردن امکان ثبت نام و فعالیت این گروه ها بود. این مساله با انتقادات گسترده ای از سوی گروه های مذهبی و موسسات غیر دولتی شد اما دولت توجهی به این انتقادات نکرد.

2- ایجاد کمیته کار با سازمان های مذهبی

کمیته کار با سازمان های مذهبی بزرگ ترین و مهم ترین سازمان دولتی آذربایجان در حوزه دین محسوب می گردد که در سال 2001 ایجاد شد و وظیفه آن نظارت بر کسب مجوز و فعالیت های گروه های مذهبی است. این سازمان دولتی همچنین دستورالعمل هایی برای گروه های مذهبی دارای مجوز ارائه می کند که در آن گفته شده است که آن ها چه چیزی را چگونه به مردم موعظه کنند. همچنین این کمیته جهت حسن اجرای این دستورات نیز نظارت روزانه می کند. گوندوز اسماعیل اف رئیس دیپارتمان امور مذهبی مناطق این سازمان در مصاحبه ای در مورد کارکرد این سازمان توضیح می دهد: «ما چارچوب قانونی برای فعالیت گروه های مذهبی داریم، اگر آن ها این چارچوب را رعایت نکنند ما در امور آن ها دخالت می کنیم. همچنین به علت سطح پایین نظام آموزش اسلامی بعضی از گروه های مذهبی سعی می کنند از این خلاء استفاده کنند. دولت تلاش دارد که از این دخالت ممانعت ورزد و ذهن مردم را از این ذهن های زهرآلود دور کند. برای این کار ما ناچار هستیم که با نیروها و مبلغان مذهبی خارجی وارد جنگ شویم. همچنین ما بایستی آموزش مذهبی بومی خود را ایجاد کنیم و نفوذ جریان های خارجی را محدود کنیم.»

برای این کار کمیته کار با تشکل های دینی مصوب کرد که هیچ یک از جوانان آذری حق ندارند بدون اجازه و اطلاع مقامات دولتی برای تحصیل به خارج از کشور بروند. این مساله در رابطه با مصر و ترکیه با توافقنامه بین دولت و این کشورها حل شده است اما دولت در مورد دانشجویان تحصیل کرده در ایران بسیار سخت گیر است و در بازگشت این دانشجویان به جمهوری آذربایجان مانع فعالیت رسمی این افراد در مناصب دولتی و همچنین موعظه گری ایشان می شود. اگرچه به طور رسمی در سال 1998 قوانین سانسور توسط حاکمیت منسوخ شد اما کمیته امور دینی در زمینه چاپ و نشر، قوانین سانسور شدیداً سختی را اعمال می کند. تنها موسسات دارای مجوز قانونی کمیته می توانند حق چاپ و نشر داشته باشند و حتی این موسسات نیز در تعداد نسخ چاپی نیز محدودیت دارند.

همچنین در زمینه ورود ادبیات اسلامی، نگرانی هایی وجود دارد و به شدت توسط کمیته دولتی منع می شوند. برای مثال در سال 2005، 29 کتاب مذهبی به دلیل اشاعه اسلام سیاسی ممنوع اعلام شدند که رساله آیت الله العظمی فاضل لنکرانی از آن جمله بود. در سال 2007 پلیس کسانی را که در خیابان و مترو کتاب قرآن می فروختند را بازداشت کرد و کتاب های آن ها را توقیف کرد همچنین بعد از اصلاحات قانونی سال 1999 تعداد زیادی از مدارس و کلاس های قرآنی بسته شدند و بازگشایی آن ها ممنوع شد.

3- اصلاحات در اداره مسلمانان قفقاز

اسلام رسمی در جمهوری آذربایجان توسط اداره مسلمانان قفقاز مدیریت می شود. این موسسه در ظاهر یک موسسه مستقل خصوصی است که در دوران اتحاد شوروی ایجاد شد. رئیس آن شیخ الاسلام الله شکور پاشازاده است که در سال 1980 به این سمت منصوب شد. معاون او مفتی حاجی علی عسگر موسایف یک مفتی سنی است. اداره مسلمانان بر روی مساله انتصاب ملاها، آموزش اسلامی و حقوق روحانیون نظارت می کند. ملاهای رسمی که توسط این اداره منصوب می شوند از احترام و محبوبیت پایینی برخوردار هستند. این ملاها با عنوان «قرمیز ملا» در بین مردم شناخته می شوند و در بین مردم همواره به عنوان کهنه جاسوس های اتحاد شوروی شناخته می شوند که توانسته اند جایگاه خود را در دوران پس از فروپاشی کمونیسم حفظ کنند. به این دلیل و همچنین به علت انحصاری که این سازمان بر روی مساله زیارت اماکن مذهبی و همچنین سفر به مکه و مدینه دارد بسیاری از مردم این سازمان و مدیران آن را افرادی فاسد تلقی می کنند. یکی از امامان جماعت ساکن باکو که مستقل از دولت عمل می کند در مصاحبه با کارشناسان گروه بحران بین المللی گفته است: «اداره مسلمانان قفقاز یک سازمان مذهبی نیست بلکه یک بنگاه تجاری است». او معتقد است که دخالت پاشازاده در سیاست به نفع الهام علی اف و نامزدهای حزب حاکم، قدرت این اداره را بسیار تضعیف کرده است. همچنین این اداره با وجود دریافت مقادیر کلانی از وجوه زیارتگاه ها، همواره مورد انتقاد مردم قرار گرفته است که از آن ها در برابر ظلم هیئت حاکمه دفاع نکرده است. خانم جوانی از شهر آستارا در مصاحبه با گروه بحران بین المللی گفت: «پاشازاده چه کاری برای ما انجام داده است؟ او اذان را ممنوع کرده است، او تنها افراد نزدیک به خود را برای امام جماعتی مساجد فرستاده است و کاری برای مساجد انجام نداده است و ما خود مجبور به تعمیر مساجد شده ایم.» اداره مسلمانان قفقاز همچنین دانشگاه اسلامی باکو را مدیریت می کند و چهار نمایندگی منطقه ای آن در مناطق زاگالتا، لنکران، سومقاییت و مینگه چانور تنها مراکز رسمی آموزش مذهبی هستند.

(تنها یک دانشکده الهیات در دانشگاه دولتی باکو وجود دارد که مستقل از این اداره فعالیت می کند اما از لحاظ کیفیت علمی و آموزشی در سطح بسیار پایینی قرار دارد). در سال 2002 این اداره تلاش هایی را برای ترمیم وجهه خود صورت داد و در این راستا، آموزش نسل جوانی از روحانیون را در اولویت قرار داد. در گام اول این اداره تلاش هایی را برای جذب جوانان آذری انجام داد که در خارج از کشور به ویژه در ترکیه، مصر، سوریه، کویت، عربستان سعودی و حتی ایران تحصیل کرده بودند. در گام بعدی دانشکده های جدید منطقه ای دانشگاه اسلامی فعال شدند تا بتوانند نسل جدیدی از روحانیون آموزش دیده را تربیت کنند تا این افراد جایگزین روحانیون قبلی شوند. این تلاش ها در برخی از مناطق به ویژه مناطق سنی نشین موفقیت هایی کسب کرد. محمت اقیدوف معاون رئیس روحانی منطقه زاگاتا و بالاکان گفت:

«در گذشته امامان جماعت از سطح پایینی از دانش مذهبی برخوردار بودند و میزان فساد در بین آن ها بالا بود، این روحانیون نمی توانستند حتی به پرسش های مذهبی مردم پاسخ دهند اما روحانیون جوان به پرسش ها و مطالبات مردم می توانند پاسخ دهند.» در گام سوم نیز این اداره سعی کرده است نوعی هویت اسلامی ملی ایجاد کند. حاجی سعیدی رئیس شاخه لنکران دانشگاه اسلامی باکو و یک روحانی شیعه از یک خانواده سنتی مذهبی، توضیح می دهد که «ما نمی خواهیم ایرانی ها و یا ترک ها بر ما حکومت کنند ما ترجیح می دهیم که سنت های مذهبی خاص خود

را داشته باشیم. ما اکنون با نسلی روبه رو هستیم که از اینترنت استفاده می کند و اسلام بایستی خود را با این شرایط تطبیق دهد. شیعه همیشه مراسم روز عاشورا را با سینه زنی و گریه بر مصیبت های امام حسین(ع) گرامی می دارند. ما بایستی به این روند خاتمه دهیم و به جای سینه زنی آن را با اهدای خون جایگزین کنیم.»

اما این تغییرات از جانب بسیاری از دینداران این جمهوری مورد بی توجهی قرار گرفت. بعضی از روحانیون قدیمی اگرچه تحصیلات آکادمیکی در مراکز مذهبی نداشتند اما مورد حمایت و احترام مردم محلی قرار داشتند. در برخی از روستاها، مساجدی که روحانیون جوان به تولیت آن ها منصوب شده اند خالی از جمعیت هستند، در حالی که مراسم مذهبی و روضه ها توسط روحانیون قدیمی اجرا می شود. همچنین در بیشتر مناطق با وجود این که روحانیون تحصیل کرده در حوزه های علمیه ایران با محدودیت های اداره مسلمانان قفقاز و دولت مواجه هستند اما بسیار مورد توجه مردم محلی قرار می گیرند، امری که سبب شد دولت در سال 2012 برای مقابله با این روند، ورود مبلغان خارجی به ویژه ایرانی را به این جمهوری برای تبلیغ ممنوع کند.

4- تلاش برای ایجاد اسلام مدل آذربایجانی

طبقه حاکمه برای مقابله با روند رو به رشد اسلام انقلابی و شیعی در جامعه خود ناچار شده است که به سوی حمایت از یک نوع اسلام خاص و منحصر به جمهوری آذربایجان سوق پیدا کند. در این راستا سعی کرده است همانگونه که در بالا ذکر شد اصلاحاتی را در نظام آموزش مذهبی ایجاد کند که این کار را با ترویج و توسعه مراکز آموزش مذهبی وابسته به اداره مسلمانان قفقاز شامل دانشگاه اسلامی باکو و شعبه های وابسته به آن جبران کرد. همچنین طبقه حاکمه برای تقویت این جریان مبادرت به تأسیس موسسات غیردولتی وابسته به خود کرده است تا به ترویج این الگوی دینی بپردازند. این موسسات که با هدف تقویت منویات دینی طبقه حاکمه شکل گرفته است قصد دارد به ترویج مدلی از اسلام بپردازد که مورد قبول و تایید حاکمیت است و اصول سکولاریستی دولت را نقض نمی کند. نمونه این نوع موسسات، مرکز دین و دموکراسی است. این مرکز در سال ۱۹۹۸ و با اهداف: بهبود روابط بین ادیان موجود در جمهوری آذربایجان، بهبود جایگاه دین اسلام در عرصه های مختلف اجتماعی به عنوان دین اکثریت مردم جمهوری آذربایجان، تبلیغ اصولی و علمی مبانی و ارزش های صحیح دینی، شکل گیری معارف دینی سالم تأسیس شد. این مرکز بعد از ایجاد، سلسله همایش ها و سمینارهایی را در زمینه سازگاری ارزش های اسلامی و دموکراسی برگزار کرده و یکی از رویکردهای اساسی خود را تعیین جایگاه و نقش واقعی دین اسلام در جامعه آذربایجان تعیین کرده است. به گفته مسئولان این مرکز تصمیم دولت مبنی بر تشکیل کمیته دولتی تشکل های دینی، بنا به درخواست ها، مطالبات و فشارهای این مرکز بوده است. در رویکرد ارائه شده از سوی این مرکز که به مثابه یک مانیفیست آن را به اطلاع عموم رسانده است حمایت از موارد زیر در امور دینی مورد توجه قرار گرفته است:

تنظیم امور دینی جامعه توسط ارگان های حاکمیتی؛

توجه به تحمل عقاید ادیان دیگر؛

پیشگیری از سیاسی کردن دین و تشکیل رژیم دینی؛

همچنین طبقه حاکمه برای پیشبرد این هدف خود سعی کرده است از ورود جریان شیعی انقلابی به درون سرزمین های خود به انحاء مختلف جلوگیری کند. سانسور کتاب های مذهبی، ممنوعیت ورود رساله ها و کتاب های مذهبی از ایران، محدود کردن فعالیت بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی به بهانه مبارزه با ترویج افراط گرایی توسط نیروهای ایرانی، ممنوعیت فروش کلیه محصولات اسلامی مانند فروش پوشش های اسلامی، تسبیح، قبله نما، تقویم مخصوص اوقات نماز، تابلوها، پوسترها و اشیایی که نام خدا و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) زینت بخش آنها هستند، ممنوعیت تبلیغ مبلغان خارجی به ویژه ایرانی در جمهوری آذربایجان و حتی ممنوعیت پخش فیلم های مذهبی تولید خارج مانند مختارنامه و حضرت یوسف از جمله اقدامات بازدارنده حاکمیت برای تقویت مدل اسلام آذربایجانی هستند. (واحدی، 1386)

5- حمایت از جریان اباحه گری

انتشار مقاله رفیق تقی علیه دین اسلام در نشریه صنعت گارتی از مصادیق این جریان بود که آن نیز با سیل خروشان اعتراضات در داخل و خارج مواجه و دولت و نهادهای قضایی کشور را وادار به دستگیری و محکومیت نویسنده یاد شده کرد. فعالان دینی در آذربایجان رواج این دیدگاه ها را نتیجه بی مبالائی و عدم احساس مسئولیت مقامات دولتی می دانند و حتی گفته می شود، دولت از این جریان حمایت می کند. هم چنین در روزهای آغازین سال 2012 نیز بیانیه ای که هدایت شده بودن آن از طرف ارگانهای صاحب قدرت در جمهوری آذربایجان مشخص بود، علیه دین اسلام صادر و در مطبوعات این کشور منتشر شد. این بیانیه مدعی بود که دین اسلام به زور به مردم این سرزمین قبولانده شده است. این بیانیه که به امضای 54 نویسنده و روزنامه نگار جمهوری آذربایجان صادر شد، در آن از عناصر ضداسلام همچون میرزا فتحعلی آخوندزاده و رفیق تقی تکریم شده و به پیوند فکری آنها با تئوریسینهای ضد دین و ضد خدا همچون مارکس و انگلس و نیچه افتخار شده است. در این بیانیه درکنار تکریم دشمنان اسلام و خدا، علیه اسلام و علمای اسلامی ومبانی و نمادهای اسلامی همچون فتوا و حجاب فحاشی شده است. در کنار صدور این بیانیه، مقالات متعدد دیگری نیز به منظور زیر سوال بردن تشیع و نهاد مرجعیت و تقلید از مراجع شیعی نیز در دستور کار رسانه های باکو قرار گرفت. در این مقالات، نویسندگان معلوم الحال سعی می کنند ریشه های اعتقادی مردم جمهوری آذربایجان را سست کنند که نمونه آن مقاله غنیمت زاهد در سایت مدیافوروم است. نویسندگان این مقاله ها معمولاً با عنوان «الحادگرایان جدید» شناخته می شوند که با حمایت ضمنی طبقه حاکمه به فعالیت می پردازند. به نظر می آید، پابندی نظام سیاسی به سکولاریسم و توجه بیش از اندازه به خواست های غربی ها و مجامع اروپایی دولت جمهوری آذربایجان را در موقعیتی قرار داده است که از یکسو با حرکت های اصیل شیعی به مقابله بپردازد و از سوی دیگر جریان های غیرشیعی به ویژه میسیونرهای مسیحی را آزاد بگذارد. (واحدی، 1386)

6- حمایت از فعالیت نورچی ها

بزرگترین گروه غیردولتی ترکیه در جمهوری آذربایجان جنبش نورچی یا طرفداران فتح الله گولن هستند. این جنبش توسط سعید نورسی در اوایل قرن بیستم پایه گذاری شد. نورسی کسی است که در کتاب خود با عنوان رساله نور، تفسیری مدرن از قرآن می دهد و در آن به موضوعاتی چون هدف زندگی و اهمیت علم و دانش در شناخت خدا و راهنمایی هایی برای تبدیل به انسان کامل شدن اشاره می کند. بعد از مرگ نورسی یکی از شاگردان او به نام فتح الله گولن تلاش بسیاری جهت مدرن کردن جنبش انجام داد و توجه خود را بر آموزش علمی متمرکز کرد و پیروان خود را به گشودن مدارس مدرن ترکیه ای در سرتاسر جهان توصیه نمود. گولن به عنوان فردی که خواهان گفت و گوی بین یهودیان، مسلمانان و مسیحیان شناخته شده است دیدارهایی با رهبران مسیحی و یهودی و همچنین پاپ ژان پل دوم صورت داده است. فلسفه نورسی ریشه در اسلام حنفی دارد، اما در کنار آن گرایشات صوفیانه نیز دارد. البته این گرایش به مساله مرشد اعتقاد چندانی ندارد و معتقد هستند افراد بدون راهنما و به صورت مستقل می توانند راه حقیقت را پیدا کنند به نوعی که می توان از این گرایش به عنوان یک فهم پست مدرن از اسلام صوفی که تمرکز خود را بر روی ارتقای اخلاق فردی و اعتقادات مذهبی و اجتناب از تبلیغات توده گرا قرار داده است، اشاره کرد. فعالیت های این جنبش در جمهوری آذربایجان به وسیله یک شرکت خصوصی ترک به نام موسسات آموزشی مدرن هدایت می شود این موسسه هم اکنون حدود ده دبیرستان، یک مدرسه ابتدایی، یک ورزشگاه، ده پیش دانشگاهی و یک دانشگاه (دانشگاه قفقاز) را اداره می کند. همه این مراکز آموزشی با برنامه آموزشی سکولار و غربی آموزش داده می شوند که مورد تأیید وزارت آموزش جمهوری آذربایجان است. زبان اصلی این موسسه انگلیسی است و در کنار آن آذربایجانی و ترکی استفاده می شود. دانشگاه قفقاز که یک دانشگاه شناخته شده در این کشور می باشد در سال 2001 جایزه ای را از وزارت آموزش این کشور دریافت کرده است. همچنین دبیرستان های وابسته به این جنبش نیز در این کشور به جهت موفقیت هایشان شناخته شده هستند و افرادی که می خواهند در آن ثبت نام کنند بایستی یک امتحان ورودی بدهند و پس از پذیرش بایستی حدود 1500 تا 3000 دلار شهریه بدهند. بنابراین قالب افرادی که در این مدارس ثبت نام می کنند از خانواده های طبقه متوسط و طبقه های بالای جامعه می باشند. با وجود اینکه رسماً آموزش مذهبی در این مدارس بر اساس قوانین ترکیه و جمهوری آذربایجان ممنوع می باشد اما به جهت اینکه معلمان این افراد از پیروان جنبش نورسی و گولن هستند اکثر فارغ التحصیلان این مدارس به صورت حداقلی با اسلام آشنا هستند. (Park, 2008)

فعالیت های این جریان بیشتر متمرکز بر شهرهای بزرگ مانند باکو، گنجه، سومقاییت و مناطقی مانند قابالا، شکی، قوبا و آق داش است و تحت حمایت دولت جمهوری آذربایجان فعالیت می کنند.

دولت جمهوری آذربایجان از این جریان به عنوان یک موازنه کننده در مقابل اسلام شیعی و انقلابی استفاده می کند و از دوران ریاست جمهوری حیدر علی اف، فعالیت های ترکیه در مناطق شمالی و به ویژه در بین لرگی ها تشویق می شود. (Cornell, 2006)

7- حمایت از فعالیت های تبلیغی یهودیان و مسیحیان

گروه های میسیونری مسیحی و یهودی بعد از توجه دولت باکو به اعطای آزادی فعالیت های دینی - مذهبی، گسترش درخور توجهی در کشور داشته اند. فعالیت این گروه ها که از نظر قانونی ثبت شده هستند، در کنار اهتمام دولت به بازسازی و احیاء فعالیت مکان های مذهبی مسیحی و یهودی نمود بارزی پیدا کرده است، تا جایی که شهروندان مسلمان بارها نگرانی شدید خود را پیرامون گسترش زایدالوصف این گروه ها اعلام نموده اند. در این زمینه گردانندگان اداره روحانیت مسلمانان قفقاز و شیخ الاسلام پاشازاده رهبر این نهاد نیز بارها نگرانی و اعتراض خود را به دولت اعلام نموده اند.

برخی از این گروه ها فعالیت های چندجانبه ای را دنبال می کنند. بنیاد سوروس که توسط جورج سوروس شهروند آمریکایی یهودی تبار و با دارا بودن شعبه های متعدد در کشورهای مختلف جهان هدایت می شود، مهم ترین این گروه ها در جمهوری آذربایجان به شمار می رود. بنیاد سوروس در کنار تبلیغ مسیحیت به اقدامات عام المنفعه مختلفی در این کشور دست می زند. که کمک به خانواده های مستمند به ویژه آوارگان جنگی قره باغ، انجام پروژه های بهداشتی و آموزشی

(از جمله آموزش های دینی مسیحیت، رایانه و زبان انگلیسی) و توانمندسازی جامعه زنان شیعه آذری در جهت مشارکت و ایفای نقش بیشتر در عرصه های مختلف اجتماعی - مدنی، و سامان دادن فعالیت های شبکه ای و متصل به هم از جمله اقدامات صورت گرفته توسط این بنیاد است که موفقیت هایی نیز در پی داشته است. هرچند بنیاد سوروس در جمهوری آذربایجان به اندازه برخی دیگر کشورها نظیر گرجستان موفق نبوده است - که بدون شک اقدامات متقابل و افشارگری های دینداران شیعه در این عدم موفقیت نقش داشته است - ولی در توصیف موفقیت گروه های مسیحی شاید همین کافی است که بدانیم تاکنون در جامعه محدودی مانند جمهوری آذربایجان ۵۰۰۰ نفر به دین مسیحیت گرویده اند.

پیروان آیین های کریشنا و یهوا آیین های مسیحی نیز در جمهوری آذربایجان پایگاه دارند. پیروان یهوا که نام گروه «شاهدان یهوا» بر خود نهاده اند، در برخی کشورهای غربی فرقه های دینی انحرافی تلقی می شود و از این روست که در برخی کشورهای اروپایی فعالیت این فرقه متوقف گردیده است. کمیته دولتی امور تشکل های دینی آذربایجان چند مورد از فرقه های میسیونری مسیحی را به دلیل اقدامات مخرب و تفرقه ساز تعطیل ساخته است، ولی تاکنون

فعالیت شاهدان یهوا را آزاد گذاشته است. رافق علی اف رئیس سابق کمیته یاد شده در این خصوص عقیده دارد: مادامی که دولت آذربایجان شاهد اقدامات مخرب و آشوب ساز این فرقه نیست به آن اجازه ادامه فعالیت می دهد. (شیعه نیوز، 1386)

ب- تغییر ارزش های فرهنگی مردم: حمله ارزش های آمریکایی

رشد روند جهانی سازی یا جهانی شدن موجب تقویت روندهای فرهنگی متعارضی در جهان معاصر شده است. فرهنگ و ارزش های غربی تحت عناوین مختلفی چون لیبرالیسم، ارزش های دموکراتیک و یا ارزش های آمریکایی در حال گسترش به سوی جهان قدیم است. این جریان فرهنگی که با حمایت ابزارهای رسانه های جهانی از جمله شبکه های تلویزیونی و ماهواره ای، مسابقات ورزشی، فروشگاه های موادغذایی، مک دونالد، موسیقی پاپ و مراکز گردشگری و تفریحی، شبکه اینترنت، فستیوال ها و صنعت سینمای غربی و نماد آن هالیوود به پیش می رود در تعارض با جریان رشد گرایش های مذهبی و بیداری اسلامی است. این دو روند متعارض صحنه کنونی سیاست جهانی را به دو جبهه استکبار و دیکتاتوری (تحت لوای ارزش های آمریکایی) و جبهه حق بدل کرده است. در جبهه بندی کنونی نیروهای استبدادی برای بقای خود ناچار به حمایت از ارزش های آمریکایی هستند تا بتوانند با کمک نیروی رسانه ای و نظامی غرب بقای خود را هر چند برای زمانی کوتاه تمدید کنند. این مساله اکنون نیز در جمهوری آذربایجان صادق است و طبقه حاکمه برای مقابله با روند بیداری اسلامی مردم جمهوری آذربایجان ناچار شده است که به جبهه استکبار پناه ببرد. این عامل سبب شده است که در سال های اخیر شاهد روند تغییر در سیاست های فرهنگی دولت جمهوری آذربایجان باشیم. در سال های اولیه استقلال با هیئت حاکمه برای تقویت روح ملی گرایی آذربایجانی، سیاست های فرهنگی خود را به سمت ترویج ارزش های آذری و به ویژه موسیقی مقام و عاشیق آذری با محتوای ترویج حس ملی گرایی سوق داده بود. در دوران حکومت الهام علی اف و با بروز نشانه های رشد ارزش های مذهبی و دینی در جامعه آذربایجان، سیاست های فرهنگی دولت جمهوری آذربایجان تحت رهبری بنیاد حیدر علی اف با ریاست مهربان علی آوا (همسر رئیس جمهور) به سوی سیاست های فرهنگی لیبرالیستی و غربی سوق داده شد. (مصاحبه با دیپلمات سابق ایرانی در باکو) در این سال ها محتوای برنامه های تلویزیونی با تغییری محسوس مواجه شد و فیلم های سینمایی و تلویزیونی غربی و به ویژه هالیوودی مورد توجه قرار گرفتند. بنیاد حیدر علی اف تحت عنوان حمایت از موسیقی ملی آذربایجان به حمایت از برنامه های فرهنگی پرداخت که حاصل آن تبلیغ موسیقی پاپ و بیگانه از فرهنگ آذری بود. تخصیص هزینه های کلان جهت اعزام نمایندگان برای شرکت در مسابقات یوروویژن و میزبانی از آن که هیچگاه نماد و نشانه ای از فرهنگی بومی آذربایجانی در آن دیده نمی شود، در تداوم این سیاست ها قابل ارزیابی است. در قالب تغییر فضای شهری و معماری شهر به سمت ارزش های آمریکایی به ناگاه شهر باکو پر از ساختمان های بزرگ و کلوب های شبانه شد. فروشگاه های مک دونالد در مرکز شهر باکو افتتاح شد و در نزدیکی روستای مذهبی نارداران مرکزی تفریحی ساخته می شود که هدفی جزء تغییر ساختار فرهنگی این روستای مذهبی در آن مشاهده نمی شود. همچنین شهر باکو به علت برگزاری بسیار کنسرت های موسیقی به عنوان شهر فستیوال ها و کنسرت ها شناخته می شود و در گامی دیگر رسانه های آذری از برگزاری برنامه های رقص و قیج شکنی خیابانی تحت عنوان جنبش فلش موب حمایت می کنند و هر گونه مساله امر به معروف و نهی از منکر در این جمهوری مسلمان با عنوان افراط گرایی توسط حاکمیت نفی و مقابله می شود.

ج- سرکوب دینداران

رشد درآمدهای نفتی و افزایش قدرت دولت موجب شد که طبقه حاکمه احساس بی نیازی از جامعه کند و به سرکوب جریان های سیاسی رقیب خود بپردازد. حزب حاکم در گام اول تثبیت قدرت خود به مقابله با احزاب مخالف غرب گرای خود مبادرت کرد و طی دو انتخابات بحث برانگیز این جریان را در عرصه سیاسی بسیار تضعیف نمود. نخبگان حاکم در گام بعدی به سوی مقابله با جریان رو به رشد اسلام گرا روی گرداند. جریان اسلامی که در نتیجه سیاست های آشفته طبقه حاکمه در سال های ابتدایی استقلال توانسته بود رشد قابل توجهی پیدا کند به عنوان رقیبی سرسخت برای نخبگان اقتدارگرا مطرح شدند. اولین مرحله سیاست سرکوب با ممنوعیت قانونی حزب اسلام از فعالیت سیاسی کلید خورد. این سیاست که منجر به زندانی شدن تعدادی زیادی از رهبران حزب اسلام شد نه تنها موجب تضعیف این جریان نشد بلکه برای این جریان وجهه ای ظلم ستیز ایجاد کرد. گام دوم این سیاست با سیاست تخریب مساجد شیعه توسط دولت آشکار شد. این سیاست نیز با مقاومت مردم دیندار در مقابل حکم تخریب مسجد فاطمه الزهرا شدت گرفت و به دستگیری هایی منجر شد. در مرحله بعدی طبقه حاکمه با مشاهده روند رو به رشد فعالیت های مذهبی در جامعه و رونق روز افزون مراسم عزاداری محرم و صفر و شب قدر در جامعه جمهوری آذربایجان به سرکوب شرکت کنندگان در این مراسم ها پرداخت. سرکوب عزاداران وفات حضرت رسول (ص) در بهمن ماه 1388 و سرکوب عزاداران حسینی در شهرهای گنجه، آستارا، باکو، نخجوان و دیگر شهرها و روستاهای جمهوری آذربایجان در سال های اخیر مواردی بودند که نشان از سیاست سرکوب حکومت الهام بودند. همچنین در ماه محرم بسیاری از مساجد و هیئت ها از برگزاری مراسم عاشورا و تاسوعای حسینی و برگزاری دعای ندبه هفتگی منع شده اند. سرکوب فروشندهگان کتاب ها و محصولات فرهنگی و مذهبی نیز در ادامه این سیاست قابل ارزیابی هستند. (بنیاد مطالعات قفقاز، 1390) هیئت حاکمه در مقابل اعتراضاتی که فعالان رسانه ای و خبری دیندار به این سیاست ها صورت دادند به بازداشت و زندانی کردن این افراد پرداخت که بارزترین این موارد دستگیری رامین بایرام اف مسئول سایت «اسلام آذری» بود. در ادامه سیاست های سرکوب دولت آذربایجان با هدایت سازمان امنیت ملی آذربایجان به دستگیری اسلام گرایان با اتهاماتی ساختگی جاسوسی، قاچاق و افراط گرایی پرداخته است که مورد باز آن به دستگیری و حبس طولانی مدت حاج محسن صمداف رئیس حزب اسلام آذربایجان و همراهان او به دلیل اعتراض علیه ممنوعیت حجاب و به بهانه حمل اسلحه و مواد مخدر مربوط می شود. (خبرگزاری اهل بیت (ع)، 1389) همچنین در ماه های اخیر سازمان

امنیت ملی آذربایجان به بهانه جاسوسی حدود 40 نفر از شهروندان دیندار خود را بازداشت کرد، همچنین سازمان امنیت ملی آذربایجان در ماه های اخیر به قتل یکی از شهروندان آذربایجانی به نام رامین شیر محمداف، فروشنده کتب دینی متهم شده است که نگرانی بسیاری از مجامع بین المللی را برانگیخته است. از دیگر موارد سرکوب دینداران توسط حاکمیت مربوط به معترضین به ممنوعیت حجاب در مدارس آذربایجان و مخالفان برگزاری مسابقات یوروویژن در باکو هستند. (آران نیوز، 1390)

نتیجه:

به قدرت رسیدن مجدد نخبگان دوره کمونیستی در سال های پس از فروپاشی در جمهوری آذربایجان تحت عنوان حزب آذربایجان نوین، زمینه ساز بازتولید سیاست های اقتدارگرا و ضددینی دوران اتحاد شوروی شد. عقد قرارداد نفتی بزرگ موسوم به قرارداد قرن در دوران حکومت حیدر علی اف موجب سرازیر شدن سرمایه های غربی به میدان های نفتی جمهوری آذربایجان و در نتیجه رشد درآمدهای نفتی دولت آذربایجان شد. رشد درآمدهای نفتی در کنار وجود ساختار فسادآمیز نهادینه شده در هیئت حاکمه جمهوری آذربایجان موجب شکل گیری ساختاری استبدادی در جمهوری آذربایجان شد. استبداد شکل گرفته هیئت حاکمه با کمک درآمدهای نفتی توانست به مقابله با جریان های مخالف و تثبیت قدرت خود بپردازد. روند تثبیت قدرت طبقه حاکم جز از طریق نابودی جریان رو به رشد و قوی اسلامی و شیعی عبور نمی کرد و این عامل سبب شد که گروه حاکم با احیا و اصلاح ساختار و سیاست های ضددینی اتحاد شوروی به مقابله با دین بپردازد. از سوی دیگر تغییر شرایط و زیرساخت های فکری و محیطی جهانی موجب شد که دولت کنونی جمهوری آذربایجان به بهانه حرکت به سوی ساختارهای اروپایی زمینه های بسط و قدرت گیری ارزش های غربی و لیبرالیسم فرهنگی را فراهم کند و این رویداد موجب شد هیئت حاکمه جمهوری آذربایجان در کنار دو عنصر سیاست دینی سرکوب و کنترل دوران اتحاد شوروی عنصر سوم را با عنوان هجمه فرهنگی لیبرالیستی به آن بیافزاید.

منابع فارسی:

هاشمیان، هادی (1375)، «جزوه علمای قفقاز»، جلد اول، انتشارات مرکز تحقیقات و برنامه ریزی رادیو برون مرزی، زمستان 1375، صفحه 40 - 138.

آران نیوز (1390)، «اتهام یک وکیل علیه وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان»، دسترسی در 11 اسفند 1390.

<http://www.arannews>

[ir/fa/news/28952.aspx](http://fa/news/28952.aspx).

شیعه نیوز (1391)، «تبلیغ دین مسیحیت در جمهوری آذربایجان»، دسترسی در تاریخ 12 اردیبهشت 1391.

<http://www.shia-news.com/fa/news/1534>.

واحدی، الیاس (1386)، «هویت قومی در جمهوری آذربایجان»، تهران: مؤسسه مطالعات بین المللی ابرار معاصر.

مصاحبه با دیپلمات سابق جمهوری اسلامی ایران در باکو، 21 مرداد 1390، تهران.

خبرگزاری اهل بیت (ع) (1389)، «انتقال رهبر حزب اسلام جمهوری آذربایجان به اداره مبارزه با جرایم سازمان یافته»، دسترسی در 5 خرداد

<http://abna.ir/data.asp?lang=1&id=221024.1391>

بنیاد مطالعات قفقاز (1390)، «مردم عزادار تبریز سرکوب مدافعان حجاب در جمهوری آذربایجان را محکوم کردند»، 18 اردیبهشت 1390، دسترسی در 4 خرداد

<http://www.ccsi.ir/vdcicvap2t1a5.bct.html.1391>

منابع انگلیسی:

International crisis group (2008), "Azerbaijan: Independent Islam and the State", accessed

(in:http://www.crisisgroup.org/~media/Files/europe/191_azerbaijan_independent_islam_and_the_state.aspx (accessed 10 24, 2010

Balci, Bayram, (2010), "Islam and globalization in post-Soviet Central Asia and Caucasus.", reseau-asie. 4 1, 2007. <http://www.reseau-asie.com/edito->

(en/reseau-asie-s-editorial/islam-and-globalization-in-post-soviet-central-asia-and-caucasus-by-bayram-balci-director-of-the-ins/ (accessed 13 10, 2010

Cornell, Svante E. "The Politicization of Islam in Azerbaijan." Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies. 10 10, 2006.

(<http://www.silkroadstudies.org/new/docs/Silkroadpapers/0610Azer.pdf> (accessed 10 24, 2010

Park, Bill. (2008), "The Fethullah Gulen Movement." global politician. 12 31, 2008. <http://www.globalpolitician.com/25355-fethullah-gulen-turkey> (accessed

(2010, 13 10

این مقاله برای اولین بار در فصلنامه شماره 30 و 31 آران منتشر شده است.